دو دیدگاه نسبت به عبارت شیخ طوسی در مقدمه تبیان

داشتم این را عرض می‌کردم؛ در بدو نظر نسبت به عبارت شیخ طوسی گفتیم که ایشان می‌گویند «اجمعوا». اما وقتی طرف این چند سال قرائن منفصله را کار کردیم، بیرون از این عبارت تبیان به شواهدی برخورد می‌کردیم. لذا مدام دچار مشکل شدیم. اگر تحلیل آن سال‌ها را ببینید من عرض کردم مرحوم شیخ گفته‌اند که این دو روایت با هم معارض هستند. مای شیعه می‌گوییم حرف واحد است ولی مشکلی که در فضای بحث روائی بوده و بحث علمی وجود داشته -مشکلی در فضای عملی نداشتیم- این بوده که این حدیث با آن سازگار نیست. اجماع عملی هم بر جواز همه آن‌ها است. خب پس چه کار کنیم؟ نمی‌دانیم. روایاتی که بین امامیه معروف است، حرف واحد است. خود من به‌عنوان یک طلبه کار شیخ -غیر انهم اجمعوا- را چطور توجیه می‌کردم؟ یک کلمه است؛ می‌گفتم ابن مجاهد کاری کرده بود که فضای قبل در قرن دوم محو شده بود لذا روایات مانده بود اما فضای آن نمانده بود. مرحوم شیخ متحیر شده بودند که چه کار کنند. اهلبیت می‌فرمایند حرف واحد و از یک طرف هم اجماع بر جواز قرائات داریم. همین که ما برای شما می‌گوییم. چندین سال در مباحثه به این صورت حل می‌کردیم.

قرائن منفصله که زیاد شد -بینی و بین الله این ذهن ما است- اصلاً دیدیم که نه تنها فضای ذهنی شیخ الطائفه، بلکه علماء عصر ایشان از شیعه و سنی یک فضای دیگری بوده. ما آمده بودیم عبارت تبیان را روی فضای قرن یازدهم به بعد -که از صاحب حدائق شروع شد- نگاه می‌کردیم و می‌گفتیم ایشان از قرن دوم خبر نداشتند. و حال آنکه باید عبارت تبیان را با قرائن منفصله بیّن در نظر بگیریم و آن وقت حرف بزنیم. چند مورد از قرائن منفصله را عرض کردم. یکی از آن‌ها که قبلاً گفته بودم این بود: فرموده بودند اختلاف سه جور است. اختلاف التلاوه که تلائم در حسن است؛ «کله حق و کله صواب». وقتی به اینجا برخورد کردیم گفتیم چه شد؟! شما در مقدمه فرموده‌اید «حرف واحد» اما حال می‌گوییدی «کله صواب»؟!

اول که من برخورد کردم گفتم یک نحو اضطراب در آن مبانء است. اضطراب در انتخاب است. اضطراب در حرف زدن است. طبعاً این به ذهن ما می‌آید. چون در مسیر فکر و کار هستیم. شواهد شروع به زیادتر شدن کرد. کل تبیان و موارد‌ش را نگاه کردم. ثلث تبیان مربوط به قرائات است. چه عنایتی می‌کنند! چه چیزهای محکمی در تبیان دارند! قبل از اینکه من این شواهد را در تبیان ببینم، در تهذیب و استبصار به این روایت برخورد کرده بودم. مرحوم شیخ یک تعبیری داشتند که تا آن را دیدم گفتم در ذهن شیخ حرف واحد بوده.

خب آن عبارت چیست؟ مرحوم شیخ در دو جا در استبصار و تهذیب بحث قرائات را مطرح می‌کنند. یکی ذیل آیه شریفه «فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم الی المرافق» است. می‌خواهد «الی» را معنا کند؛ «الی» به این صورت است یا آن صورت. مرحوم شیخ در آن جا یک حدیثی را نقل می‌کنند. می‌گوید در روایتی دارد که برای حضرت خواندند و حضرت فرمودند «لیس هکذا تنزیلها، انما هی فاغسلوا

وجوهکم و ایدیکم من المرافق[1]». اصلاً «الی» تبدیل به «من» شد! مرحوم شیخ فرمودند: «و علی هذه القراءة یسقط السؤال من أصله[2]»؛ دیگر واضح است. سؤال از «الی» و تعیین حد کنار میرود. بزرگانی از علماء که بحث کردهاند میگویند اینکه حضرت میفرمایند «لیس هکذا تنزیلها» یعنی باید این معنا را به آیه بدهید. مرحوم مجلسی فرمودند نه، از ظاهر روایت چه بسا بر میآید که در قرائت اهل البیت «من» بوده باشد. من همه اینها را آوردهام. خودتان هم نگاه کنید.

ولی مرحوم شیخ فرمودند «علی هذه القرائة». پس معلوم میشود که یک قرائتی را جلو انداختهاند و بعد میگویند «یسقط السواک»؛ دیگری کنار رفت. حال با در نظر گرفتن فضای جدید هنوز وارد نشدهایم. این بیان هنوز برای قبل است. این یک مورد.

مورد دیگر ذیل همین آیه شریفه است؛ «وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ» یا «و امسحوا برؤوسکم و أرجلکم»؟ مرحوم شیخ که در اینجا وارد میشوند مفصل بحث میکنند. شیعه میگوید پا باید مسح شود و آنها میگویند که باید شسته شود. قرآن کدام را میگوید؟ بحث مفصلی در تهذیب و استبصار دارند. در اینجا میگویند «القرائة المنزلة». میگویند درست است که «ارجلَکم» و «ارجلِکم» داریم اما در خصوص این آیه قرائت منزله کسر است؛ «ارجلِکم». چرا؟ حرف واحد را مطرح نمیکنند. میفرمایند:

> عن غالب بن الهذيل قال: سألت أبا جعفر ع عن قول الله عز و جل- و امسحوا برؤسكم و أرجلكم إلى الكعبين على الخفض هي أم على النصب قال بل هي على الخفض[3]

امام فرمودند «و ارجلکم». مرحوم شیخ دنباله آن فرمودند: «فعلی هذا لا تجوز القرائة بالنصب». دیگر جایز شما به نصب بخوانید. مرحوم مجلسی در آن جا میفرمایند: خودتان و همه میدانیم که اجماع بوده که شیعه یکی از قرائات سبع را انتخاب نکردهاند. در قرائات سبع هم نصب و هم جر هست و شیعه هم میگویی که همه آنها جایز است. چطور شد که شما با یک روایت خبر واحد قرائت نصب متواتر را میگویی جایز نیست؟! مرحوم مجلسی این اشکال را به شیخ میگیرند. لذا میگویند با یک روایت نمیشود که قرائت نصب را کنار بگذاریم. خلاف اجماع شیعه است. اجماع شیعه این است که همه قرائات جایز است. شما با یک روایت خبر واحد میخواهید قرائت متواتر را کنار بگذارید؟! نمیشود. البته با تردیدی که در تواتر میاندازند.

---

[1] تهذيب الأحكام (تحقيق خرسان)، ج۱، ص: ۵۶

[2] همان

[3] همان ص: ۷۱

بازبینی #2
ایجاد شده 20 آوریل 2024 13:55:22 توسط ... .
به روزرسانی شده 28 مه 2024 14:38:31 توسط ... .